**

*اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم*

*موضوع:* كتاب الطهارة/الاستنجاء / شرط طهارت و بکارت سنگ

خارج فقه ج 35 - احکام تخلی – 1/9/1400

امر پانزدهم : آیا در سنگ استنجاء شرط بکر بودن لازم است یا نه ؟ درباره کلمه بکر فقها دو معنا ذکر کرده اند ：

معنای اول : این سنگ برای استنجاء استفاده نشده است چه استنجاء نقائی ( همان سنگ چهارم است ) و چه تعبدی ( سنگ سوم منظو است ) لذا سنگ دوم اگر پاک کننده بود نیازی به سنگ سوم نیست اما اگر سنگ سوم پاک کننده نبود نیاز به سنگ چهارم هم هست ، در القواعد و مختصرالنافع و الوسیله هم آمده است.

بنابر این مطلب استنجاء به سنگی که برای مخرج غائط استفاده شده ولو اینکه آن سنگ نجس نباشد حق استفاده ندارد و اگر استفاده کرد و شک کند که مخرج پاک است یا نه باید اصالة النجاسة جاری کند که همان استصحاب نجاست است ، دلیل بر این نظریه مرسله صدوق از امام صادق علیه السلام است که فرمودند عن الصادق(علیه السلام) جَرَتِ السُّنَّةُ فِي الِاسْتِنْجَاءِ بِثَلَاثَةِ أَحْجَارٍ أَبْكَار و یتبع بالماء.[[1]](#footnote-1)

اشکال: که اکثر فقها به این مرسله صدوق اعتنا نکرده اند و فتوا نداده اند پس مرسله از نظر سند قابل استناد نیست چون جابر ندارد علاوه بر اینکه کشیدن سه سنگ واجب است و وجوب آن تعبدی است اما شستن بعد از مسح سه سنگ مستحب است از این یتبع بالماء بدست می آید که منظور از سنت، وجوب نیست بلکه اعم از وجوب و مستحب است لذا حدیث مجمل است و اجمال به خاطر این است که بین سنت و یتبع بالماء تطابق نیست اگر سنت، واجب باشد و اتباع بالماء مستحب باشد درست نیست چون بین احکام خمسه تضاد است و بین وجوب و استحباب تضاد است و هرگز امام علیه السلام حرف متضاد را تشریع نمی کنند

معنای دوم بکارت : یعنی سنگ استنجاء، متنجس نباشد و پاک باشد بر اساس این نظر نیازی نیست بکارت شرط شود چون در امر قبلی طهارت برای سنگ استنجاء شرط شده بود و اگر بکارت به معنای عدم متنجس است برمی گردد به همان امر قبلی که شرط طهارت است لذا به نظر ما بکارت شرط نیست و همان طهارت به عنوان شرط کافی است

امر شانزدهم : حکم تمسح به نجس یا متنجس چیست ؟ مرحوم سید می فرماید که کشیدن اشیای نجس بر مخرج غائط مجزی نیست چون طهارت چنانچه که قبلا گذشت شرط است اما کشیدن متنجس بعد از شستن آن مجزی است یعنی اگر سنگ متنجس شسته شود و بعد برای استنجاء استفاده شود کافی است و حق با ایشان است چون قاعده کلی داریم که استنجاء به کل اجسام پاک جایز است خواه آن جسم بکر باشد یا نجس شده باشد و شسته شود و بعد استفاده شود

فقط یک مطلب باقی می ماند که طوری متنجس را برای استنجاء استفاده کند که به بشره سرایت نکند چون متنجس نجاست عرضی دارد اما مخرج نجاست ذاتی دارد و اگر متنجس به پوست طرفین مخرج برسد نجاست عارضی می شود و برای نجاست عرضی حتما باید با آب شسته شود

امر هفدهم : از بین بردن عین غائط و اثر آن در حال شستن واجب است ولی در استنجاء به سنگ یا اشیای دیگر واجب است که عین غائط از بین برود و نیازی نیست اثر غایط از بین برود فقط دو مورد در شستن استثناء شده یکی رنگ و دوم بو

نکته : اثر بر دو قسم است :

قسم اول اثر : آن چیزی است که اگر دست تر به آن برخورد کند احساس می شود چون یک نوع لزوجت و اجزای ریزی است که بعد از شستن غائط و خون دیده می شود که آن اجزای کوچک و لزوجت نیازی نیست در حالت استنجاء از بین برود چون گرفتار حرج می شود که با زیاد کشیدن مخرج زخم می‌شود لذا فتوای مرحوم سید بر این قسم اول اثر است

قسم دوم : به معنای رنگ و بو است که از بین بردن آن با آب و استنجاء نیازی نیست بله اگر رنگ قابل رفتن باشد مثل اینکه با انگشت قابل رفتن است سعی کنید از بین برود.

1. - وسائل الشيعة ؛ ج‏1 ؛ ص349. [↑](#footnote-ref-1)